

بررسی احادیث در زمینه راهکارهای تربیتی به منظور پیشگیری از رفتارهای نابهنجار جنسی نوجوانان و جوانان

دکتر علی نقی فقیهی*

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی متون حدیثی در زمینه عوامل مؤثر در انحرافات جنسی کودکان و نوجوانان و راه‌های پیشگیری از رفتارهای نابهنجار جنسی است. در این تحقیق با استفاده از روش هرمنوتیک و روش اجتهادی، متون آیات و احادیث معصومان(ع) در زمینه شیوه‌های تربیتی پیشگیری از رفتارهای جنسی نابهنجار در نوجوانان و جوانان، بررسی گردیده و به تفصیل و تحلیل محتوای آنان پرداخته شده است.

در متون دینی به منظور پیشگیری از انحرافات جنسی و پرورش رفتارهای سالم جنسی در بین کودکان و نوجوانان، به والدین به عنوان نزدیک‌ترین افراد به آنان، آموزش‌هایی داده شده است. در این آموزش‌ها به دو دسته عوامل خانوادگی و محیطی (اجتماعی و فرهنگی) توجه ویژه شده است. در مورد دسته اول رفتارهای پوششی در خانواده، عفاف کلامی و جلوگیری از بیان کلمات سخیف جنسی هنگام خشم و ناراحتی نسبت به کودکان و نسبت به یکدیگر (بین پدر و مادر) و حجاب اتاق خواب و مراقبت‌های ویژه در مورد کنجکاوی‌های کودکان و نوجوانان در مسائل جنسی، تنزیه محیط زندگی از تحریکات جنسی، پرهیز والدین از رفتارهای کلامی و غیرکلامی نابهنجار جنسی در مقابل کودکان، از جمله آموزش‌ها در این زمینه است. در مورد دسته دوم سالم‌سازی محیط مدرسه، سالم نگه‌داشتن ارتباطات همگنان به دور از شکستن هنجارها، مراقبت‌های اجتماعی فرهنگی درباره مطالعه و دیدن مجلات، ماهواره، اینترنت، پاکسازی جامعه از الگوهای ناسالم اجتماعی که می‌تواند آسیب‌هایی را در جهت رشد ناسالم جنسی در بین کودکان، نوجوانان و جوانان به بار آورد؛ از جمله آموزش‌ها در زمینه عوامل محیطی است.

واژه‌های کلیدی: نابهنجاری‌های جنسی، عوامل خانوادگی، عوامل محیطی، شناسایی راهکارهای پیشگیری از انحرافات جنسی.

مقدمه

با توجه به شیوع نابهنجاری‌ها و عوامل گسترده که انحرافات جنسی را روز به روز فراگیرتر می‌سازد، راهکارهای مناسب برای پیشگیری و درمان این کجروی‌ها چیست؟ و چگونه می‌توان از نفوذ داده‌های مخرب عوامل نابهنجاری‌ها به‌ویژه اینترنت و ماهواره که از زمینه‌های بروز تشدید این‌گونه انحرافات و کجروی‌هاست، جلوگیری کرد؟ مسلّم است که پیشگیری از درمان، آسان‌تر است. کسی که غرق در انحرافات جنسی شد، مشکل بتوان او را به صراط مستقیم برگرداند و انتظار رفتارهای بهنجار از او داشت. از حضرت سلیمان(ع) نقل شده است که فرمود: «ان الغالب لهواه اشدّ من الذی یفتح المدینه وحده». کسی که غرق در هواهای نفسانی است، غلبه بر آن و دست کشیدن از آن برایش مشکل‌تر است از کسی که بخواهد به‌تنهایی شهری را فتح کند (ابی‌فراس، بی‌تا، ج 1، ص 60) و به همین مشکل بودن مقابله با تمایلات نفسانی اشاره کرده است که حضرت رسول اکرم(ص) فرمود: «اشجع الناس من غلب هواه». شجاع‌ترین مردم آن کسی است که بتواند بر هواهای نفسانی خویش غلبه کند و رفتار نابهنجار را ترک کند (صدوق، 1361ش، ص 198).

اصولاً شخصیت آدمی به این است که بتواند بر تمایلات نسبت به نابهنجاری‌ها به‌ویژه نابهنجاری‌های جنسی چیره شود و نگذارد تمایلات به رفتار و عمل درآید. امام علی(ع) می‌فرماید: «ورع الشهوة و الغضب جهاد التّبالء». کوشش افراد نجیب و با شخصیت این است که خود را از تمایلات شهوی و غضبی بازدارند. (تمیمی، 1373، ج 4، ص 89) و یا می‌فرماید: «مجاهدة النفس شیمة التّبالء». روش افراد با شخصیت این است که با تمایلات نفسانی نابجا مبارزه کنند (همان، ج 6، ص 124).

در جوامع مختلف، همواره نیروهای کنترل‌کننده متعددی وجود دارد که سعی در کنترل افراد منحرف و خطاکار می‌کنند. از دیدگاه اسلامی چه راه‌هایی برای پیشگیری از وقوع نابهنجاری‌های جنسی ارائه شده و چگونه افراد منحرف کنترل می‌شوند تا انحرافات جنسی به افراد دیگر منتقل نشود و انحرافی به وقوع نپیوندد؟

در این مقاله به بررسی برخی از شیوه‌های کاربردی که در متون حدیثی به آن پرداخته شده است، می‌پردازیم.

1. اجرای شیوه‌های تربیت جنسی

از مهمترین شیوه‌های پیشگیری از رفتارهای نابهنجار جنسی، تربیت صحیح جنسی در دوره‌های مختلف کودکی، نوجوانی و جوانی است. بنابراین با تأمین نیازهای عاطفی و روانی و زمینه‌سازی‌های تربیتی مطلوب و رشد هویت جنسی در دوره کودکی و آموزش مسائل جنسی، پرورش حیا، آموزش راه‌های کنترل تحریکات جنسی و پرورش هویت مطلوب جنسی در دوره نوجوانی و آموزش شیوه‌های کنترل جنسی پیش از ازدواج، آماده‌سازی‌های همه‌جانبه برای ازدواج، ارتقای شناختی و نگرشی عاطفی و آموزش‌های جنسی مناسب در دوره جوانی، مهمترین پیشگیری از رفتارهای نابهنجار جنسی صورت می‌پذیرد.

2. غلبه بر عوامل انحراف

شیوه دیگر برای پیشگیری، فراهم‌سازی شرایط و زمینه‌های عدم تحقق عوامل نابهنجاری‌های جنسی و یا جلوگیری از اثرگذار بودن آنهاست. بنابراین در صورتی که خانواده‌ها نقش‌های تربیتی منفی نداشته باشند و با عملکرد خودشان زمینه تحریکات جنسی را در فرزندان فراهم نسازند، بلکه با تقویت گرایش مذهبی و معنوی اخلاقی آنها، از تأثیر عوامل انحرافی محیطی بر روی آنان جلوگیری کنند، می‌توان از ابتلای فرزندان به نابهنجاری‌های جنسی پیشگیری کرد.

3. نظارت اجتماعی

نظارت اجتماعی، مجموع وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آنها، یک گروه یا یک سازمان، اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها و حتی آداب و رسوم منطبق با آنچه گروه و سازمان مطلوب تلقی می‌کند، سوق می‌دهد.

نظارت اجتماعی فرآیند کنترل جمعی کسانی است که هنجارها، آداب و رسوم مطلوب را رعایت نمی‌کنند و این جریان تا آنجا ادامه می‌یابد که منحرفان را از عمل خود بازدارد و جامعه به ثبات مورد نظر خود برسد. در یک نگاه کلی، نظارت اجتماعی را می‌توان به نظارت بیرونی و نظارت درونی تقسیم کرد.

نظارت بیرونی، نظارتی است که خارج از وجود فرد بر وی تحمیل می‌شود، ولی نظارت درونی، نظارتی است که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد و او را به رعایت هنجارهای مطلوب فرا می‌خواند (بیرو، آلن، 1370، ج 2، ص 348). نظارت بیرونی، خود به انواع متعددی تقسیم می‌شود از جمله:

الف) نظارت رسمی و غیررسمی

نظارت رسمی، نظارتی است که به صورت رسمی و طبق روش‌ها، قوانین و مقررات تعریف شده صورت می‌گیرد و غالباً توسط افراد، نهادها و سازمان‌هایی انجام می‌پذیرد که وظیفه‌شان نظارت اجتماعی است؛ مانند نیروی انتظامی و قوه قضایی که در برخورد با منحرفان و مجرمان طبق قواعد تعریف شده‌ای به نظارت اقدام می‌کنند. نظارت غیررسمی، نظارتی است که در قالب قوانین مقررات تعریف شده نباشد و معمولاً همه افراد جامعه در آن مشارکت می‌کنند (کرومبی، 1367، ترجمه حسن بیان، ص 350). این نوع نظارت بیشتر در خانواده، گروه همسالان و مانند آن وجود دارد. روابط عاطفی و دوستانه در این گروه‌ها موجب تأثیر بیشتر نظارت می‌گردد. (امیرکاوه، 1376، ش 21).

ب) نظارت اجباری و اقناعی

در نظارت اجباری، افراد به پذیرش شیوه‌های زندگی و روش‌های رفتاری از طریق به کارگیری تنبیه‌ها و مجازات مجبور می‌شوند؛ ولی در نظارت اقناعی، افراد از راه‌های تبلیغ، به کارگیری تشویق، اعطای اعتبار و مقام و استفاده از ارزش‌های اخلاقی، به پذیرش هنجارهای مطلوب ترغیب می‌شوند (ترابی، 1341، ص 122).

نظارت اجتماعی و اینترنت

اکنون با وجود جنبه‌های مثبت شبکه‌های جهانی، سوءاستفاده از این شبکه‌های رایانه‌ای توسط افراد منحرف، امنیت ملی کشورها را با خطر جدی روبرو ساخته است؛ از این رو، به‌کارگیری فیلترها و فایروال‌های مختلف به‌منظور پیشگیری از داده‌های مخرب و مضر و گزینش اطلاعات سالم در این شبکه‌ها روبه افزایش است.

علاوه بر بهره‌گیری از امکانات فنی، روش‌های کنترلی دیگری نیز برای مهار اینترنت پیشنهاد شده است. یکی از این روش‌ها کنترل دولت است. در این روش، سیاست کلی حاکم بر کشور اجازه دسترسی به پایگاه‌های مخرب و ضداخلاقی را نمی‌دهد و دولت با فیلترهایی مخصوص، شبکه‌های انحراف‌کننده را از دروازه اتصال به کشور کنترل می‌کند. روش دیگر، کنترل سازمانی است که معمولاً سازمان و تشکیلاتی که مسئولیت سرویس‌دهی به مشتریان اینترنت را برعهده می‌گیرد، خود موظف به کنترل شبکه و نظارت بر استفاده صحیح از آن می‌شود تا با الزامات قانونی و اخلاقی، انجام این وظیفه را تضمین کند (روسک، 1369، ترجمه بهروز نبوی، ص 232). روش دیگر، نظارت اجتماعی اعضای جامعه است. در این روش، ناظران اجتماعی که همه اعضای جامعه را دربرمی‌گیرند، با رفتارهای منحرف مقابله کرده و به حفظ ثبات اجتماعی می‌پردازند.

نظارت و کنترل فردی، روش دیگری است که قابل انجام است. در این نوع کنترل، تمام ضمانت‌های اجرایی درون‌فردی است و شخص با بهره‌گیری از وجدان فردی و مبانی اخلاقی و نیز تعهد دینی، مراقبت‌های لازم را در مورد شبکه‌های فسادانگیز به عمل می‌آورد. اکنون جای این سؤال باقی است که روش اخیر تا چه اندازه در جامعه فعلی ما قابل اجراست و نیز وظیفه دولت و ملت در ایجاد خودفرمانی عقلانی و درونی افراد جامعه چیست و راه‌های آن کدام است؟

برخی از کارشناسان معتقدند در شرایط فعلی، برای کاستن یا از بین بردن ابعاد منفی اینترنت، استفاده از فیلترهای اطلاعاتی، نقش عمده‌ای در کنترل اطلاعات مخرب دارد. از سوی دیگر، تقویت شبکه‌های داخلی و راه‌اندازی شبکه‌های ویژه جوانان و

نوجوانان با انبوهی از اطلاعات مفید، سرگرم کننده و جذاب می‌توانند نقش بسزایی در کاهش آلودگی‌های فرهنگی و اطلاعاتی اینترنت بازی کنند. قرارداد اطلاعات مفید اینترنت بر روی شبکه‌های داخلی علاوه بر ارائه خدمات و اطلاع‌رسانی سالم، پس از چندی بایگانی غنی و پرباری را از انواع اطلاعات فراهم آمده از سراسر جهان در اختیار کاربران قرار می‌دهد که با افزایش اطلاعات داخلی و روزآمد کردن آن به‌عنوان زیربنای اطلاعاتی کشور قابل طرح می‌باشد. سرعت بالا و هزینه کم در استفاده از شبکه‌های داخلی، دو عامل مهم در توجه کاربران به این شبکه‌هاست.

به‌هر حال، عدم حضور مقتدرانه فرهنگی در عصر ارتباطات، به‌ویژه در عرصه پهناور اینترنت، به‌معنای پذیرفتن شکست در بخش وسیعی از صحنه تهاجم فرهنگی است. گریز از حضور در شبکه‌های جهانی اطلاع‌رسانی، نادیده گرفتن تحولات عصر ارتباطات، ما را در موضعی منفعلانه و شکست‌پذیر قرار خواهد داد. به‌همین منظور، استفاده از این رسانه به‌عنوان یک وسیله تدافعی و در گامی فراتر به‌عنوان ابزاری تهاجمی، می‌تواند ما را در تحقق بخشیدن به ایده‌های جهان شمول اسلامی و ملی یاری دهد.

علاوه بر راهکارهای یاد شده، ایجاد یک نظام قانونمند اینترنتی در جامعه ضروری است. در صورتی که اداره این نظام قانونمند، که می‌توان از آن به‌عنوان پادزهر آسیب‌های اینترنت سرکش و افسارگسیخته یاد کرد؛ با یک نظام حقوقی و دادرسی جامع همراه شود، موارد تخلف و سوءاستفاده از این رسانه را به راحتی قابل تشخیص و پیگیری قضایی قرار خواهد داد.

با نگاهی دوباره به مقوله نظارت اجتماعی به‌عنوان تنها راهکار کنترل انحرافات اجتماعی، به‌ویژه پیشگیری از ورود انحرافات جوانان دیگر کشورها از طریق اینترنت و رسانه‌های مدرن در عصر ارتباطات، می‌توان به انتخاب بهترین نوع نظارت پرداخت (بیرو، آلن، 1370، ترجمه باقر ساروخانی، ص 348). به‌نظر می‌رسد از انواع نظارت بیرونی، نظارت غیررسمی، عاطفی و نیز نظارت اقناعی، مؤثرتر از دیگر انواع نظارت است. در این میان نظارت خانواده، دارای ویژگی‌هایی است که موجب می‌گردد از

میزان کارایی بالایی نسبت به دیگر نظارت‌های اجتماعی برخوردار باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

1. مجری نظارت در خانواده، مخاطب خود را به‌خوبی می‌شناسد و مطابق ویژگی‌های شخصیتش، او را از انحرافات بازمی‌دارد؛
2. نظارت‌هایی که از طرف خانواده اعمال می‌گردد، معمولاً حالت عاطفی دارد و از روش‌ها و ابزارهای غیر رسمی - که طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد - استفاده می‌گردد؛
3. معمولاً اعضای خانواده تا اصلاح فرد خاطی و منحرف و تغییر رفتار وی و هماهنگی و همسویی وی با سایر اعضای خانواده، به اقدامات اصلاحی خویش ادامه می‌دهند (نمازی، 1379، ش 13).

بنابراین، خانواده به‌عنوان مهمترین عامل تربیت در جهت‌دهی فرزندان به‌سوی نظارت درونی، نقش عمده و مهمی را ایفا کرده و می‌توانند با تربیت فرزندان بر پایه دست‌مایه‌های فطری و الهی، آنان را از درون ناظر بر اعمال و رفتار خود نمایند و این امکان‌پذیر نیست مگر اینکه والدین خود نیز از این دست‌مایه‌های درونی بهره‌مند شده باشند. عموم مردم نیز به‌عنوان ناظر غیررسمی می‌توانند نقش بارزتر و مؤثرتری بر جلوگیری از ورود انحرافات اجتماعی داشته باشند. به هر میزان اعضای جامعه، التزام عملی بیشتری به هنجارها و ارزش‌های جامعه داشته باشند، هنگام وقوع انحراف و اکنش جامعه شدیدتر خواهد بود. به‌همین دلیل باید افراد جامعه، خود از نیروی کنترل درونی برخوردار بوده تا دارای التزام عملی به هنجارها باشند.

بنابراین، نظارت درونی به‌عنوان بهترین، مؤثرترین و اصولی‌ترین شیوه نظارت در این دوران رخ می‌نماید. ولی هزاره سوم که میدان ظهور نتایج و پیامدهای انقلاب ارتباطات است، دارای ویژگی چالش‌آفرین «ساخت‌زدای» برای همه حوزه‌های فعالیت بشری است (امیرکاو، 1376، ش 21). این خصیصه انکارناپذیر، ساختارهای مفهومی پذیرفته شده ما را در جنبه‌های گوناگون متزلزل می‌کند و مجال برای ظهور آنها نمی‌گذارد؛ به‌همین جهت، فرآیند نظارت اجتماعی متزلزل در نوع بیرونی، ناکارآمدی خود را آشکار کرده است.

در این دو ساختار متقابل، ساختار «دور - نزدیک» یک تقابل مکانی است. در نظارت اجتماعی در این نوع تقابل، همیشه سعی بر این بوده که خود را از محیط‌های نامطلوب دور کرده تا به انحراف دچار نشود و نیز فرد منحرف را از محیط دور نگهدارند تا نه فرد منحرف ذهنیتی برای بزهکاری داشته باشد و نه دیگران را بتواند به سوی ناهنجاری‌ها سوق دهد. همچنین وسایل منحرف کننده نیز از دسترس افراد دور نگه داشته می‌شود تا زمینه انحراف ایجاد نشود. اما این تقابل در عصر ارتباطات به تدریج ساخت‌زدایی می‌شود و با شکستن این ساختار، دیگر تقابلی بین دور و نزدیک وجود نخواهد داشت؛ زیرا رسانه‌های ارتباطی مدرن، چون ماهواره و اینترنت این فاصله مکانی را از بین برده و زمان و مکان را به سرعت درمی‌نوردند و بدین وسیله، افراد وارد محیط‌های انحراف می‌گردند.

سرعت پیشرفت تکنولوژی ارتباطی به گونه‌ای است که امکان مهار و کنترل آن با دور نگه داشتن از محیط و یا محدود کردن آن غیرقابل انجام است و در مواردی، تنها به صورت مقطعی و موضعی می‌توان از این نوع کنترل بهره گرفت.

ساختار «ممنوع - مجاز» نیز در معرض ساخت‌زدایی واقع شده است. این ساختار ناظران اجتماعی را قادر می‌سازد با مجازات و ترساندن افراد از امور ممنوعه و ناهنجاری‌های اجتماعی بازدارند؛ اما اکنون در جامعه پست‌مدرن که بسیاری از امور ممنوع، مجاز و یا دست‌کم اجتناب‌ناپذیر شمرده می‌شود، کدام ناظر اجتماعی می‌تواند از ساختار «ممنوع - مجاز» بهره کافی ببرد؟

اگر اندکی واقع‌بین باشیم، در این دوران که زندان‌ها با روش نظارتی «دور - نزدیک» از مجرمان و نیز موج فزاینده انحرافات از قبیل شراب‌خواری، اعتیاد، انحرافات جنسی، سوءاستفاده‌های اقتصادی و مواردی از این دست، خاکریز ارزش‌های دینی و انقلابی را درهم شکسته است، برخوردهای ناشیانه و غیرکارشناسانه با پدیده ماهواره و اینترنت، موجب حریص شدن جوانان به این دو رسانه شده است و همچنین روش‌های به‌کارگرفته شده در احیای «امر به معروف و نهی از منکر» به‌عنوان یک اصل حیاتی و مهم اسلامی در نظارت اجتماعی، ناکارآمدی خود را در دهه‌های اخیر نشان داده است؛ لذا

درمی‌یابیم که زمان استفاده از تقابل «دور - نزدیک» و «ممنوع - مجاز» به‌سر آمده و برای پیشگیری از انحرافات و نیز درمان بیماری مهلک کنونی، باید چاره‌ای دیگر اندیشید. نظارت اجتماعی اگر بخواهد با این دو ساختار به عملیات مقابله اجتماع با انحراف کمک کند، بدون تردید در این عصر دوام نخواهد آورد. اصرار بر استفاده از این روش‌ها، ثبات جامعه را در آینده‌ای نه‌چندان دور به چالش خواهد کشید. اما آیا در نظارت اجتماعی، ظرفیتی برای حضور مقتدرانه، مؤثر و متناسب با عصر حاضر وجود دارد؟ برای جواب به این سؤال، به نظارت مبتنی بر تربیت دینی می‌پردازیم.

نظارت مبتنی بر تربیت دینی

چنانکه پیش‌تر گفته شد، نظارت اجتماعی به‌ویژه نوع‌درونی آن اگر بر تربیت دینی مبتنی باشد، در رویارویی با خصیصه‌ها پست‌مدرن حضوری متناسب و مؤثر خواهد داشت. اکنون جای آن دارد که تربیت دینی، با توجه به عناصر آن مورد بررسی قرار گیرد. عناصر تربیت دینی متناسب با عصر حاضر، از سه مؤلفه مهم «عقلانیت»، «تقوای حضور»^۱ و «ارزیابی و نقادی» تشکیل یافته است (باقری، 1380، ش 2). تربیت دینی در این دوران باید بیشتر از هر زمان دیگر چهره‌ای عقلانی داشته باشد؛ زیرا در عصر ارتباطات، مبادله اطلاعات و نظرگاه‌های گوناگون به آسانی و سرعت صورت می‌پذیرد و پذیرش دیدگاه‌ها، باید مبتنی بر قوه عقلانیت باشد. فردی که از درون خویش با توجه به این عنصر به خودفرمانی عقلانی دست یابد، در فرآیند نظارت بر خود و دیگران کمتر به اشتباه می‌آلاید و نظارت با سلامت بیشتری به اهداف خود دست می‌یابد. عنصر «تقوای حضور» یکی از مؤلفه‌های ارزشمند و اساسی تربیت دینی است و از جمله مراتب عالی تقواست و با «تقوای پرهیز»^۲ که مرتبه نازل و مقدمه آن است، تفاوت دارد.

1. منظور از تقوای حضور در اینجا، همان تقوای عمیق و درونی شده است که از جنبه‌های شناختی و عاطفی، جزء شخصیت فرد شده و به عبارت دیگر ملکه شده است.

2. منظور از تقوای پرهیز در اینجا، تقوای ظاهری و عادت‌ی است که جنبه شناختی و عاطفی آن بسیار سطحی و زودگذر است.

اگر تربیت دینی بر تقوای پرهیز استوار باشد، نوعی تربیت قرنطینه‌ای و گُلخانه‌ای تحقق خواهد یافت که براساس آن، حفظ افراد تنها با قرار گرفتن در محدوده‌ای جدا و دور از شرایط میسر است. عمل به این نوع تقوا که براساس مفهوم دینی «ترس از عذاب الهی» در درون فرد شکل می‌گیرد، در عصر حاضر که ارتباطات روز به روز گسترده‌تر می‌گردد، در برخی از قلمروها اساساً غیرممکن می‌شود؛ زیرا فضاهای مخربی که در جامعه یا درون خانه از طریق ماهواره و اینترنت بر ما تحمیل می‌شود، امکان پرهیز را پیشاپیش از ما می‌ستاند. بنابراین، نظارت درونی مبتنی بر تقوای پرهیز، گرچه گاهی ثمربخش خواهد بود؛ ولی درمقابل موج فزاینده داده‌های مخرب به سرعت کارآمدی خود را از دست می‌دهد. به همین جهت چون به هیچ‌وجه قادر به بستن مرزهای اطلاعاتی نیستیم، تربیت دینی باید براساس مؤلفه «تقوای حضور» به صحنه پا گذارد و از این رهگذر است که می‌توان به نظارت درونی ریشه‌دار دست یافت. در تقوای حضور، فرد ضمن اینکه در جامعه و در معرض انواع آلودگی‌ها قرار دارد، خود را در مرتبه‌ای فراتر می‌یابد که می‌تواند در مقابل انحرافات مصونیت داشته باشد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان پردازید. هرگاه شما هدایت یافتید، آن کسی که گمراه شده به شما زیانی نمی‌رساند» (مائده، آیه 105). براساس مفهوم این آیه شریفه، انسان باید به درون خود پردازد و به درجه و مرتبه‌ای از هدایت درونی دست یابد که گمراهان توان آسیب‌رسانی به او را نداشته باشند. این معنای دقیق و عمیق خود فرمانی درونی است که فرد را قادر می‌سازد ضمن حضور در متن جامعه و قرارگرفتن در عرصه ارتباطات خود را به انواع آلودگی‌ها نیالاید و دیگرانی را که بهره کمتری از تقوا برده‌اند، تربیت کند.

سومین مؤلفه تربیت دینی، «ارزیابی و نقادی» است. بر پایه این عنصر، فرد به ارزیابی داده‌ها و سپس گزینش یا طرد آنها اقدام می‌کند. در واقع این خصیصه، پشتوانه‌ای برای تقوای حضور در دوران کنونی است. طرد همگی آنچه متعلق به این عصر است، نه تنها، ممکن نیست، بلکه نامطلوب است؛ زیرا طرد غیرمنصفانه تمام مظاهر این دوران، زمینه‌ای را فراهم خواهد ساخت که افراد جامعه، دست به شورش می‌کنند.

عصیت‌آلود و انتقام‌جویانه زده، به قبول تمام‌عیار همهٔ مظاهر عصر ارتباطات روی آوردند. به‌همین دلیل تربیت به‌گونه‌ای غیرتعصبی، واقع‌نگر و منصفانه افراد را به‌سوی این ویژگی هدایت کند تا بتواند در متن شرایط ناسالم، حضوری سالم داشته باشند.

در مورد پدیدهٔ اینترنت و ماهواره نیز در تربیت دینی جوانان، باید ذهنیتی روشن و منتقدانه در مورد آن فراهم آورد که در آن جنبه‌های مثبت و منفی این پدیده مشخص گردد و زمینهٔ استفاده مناسب از آن فراهم آید (باقری، 1380، ص 10).

مؤلفهٔ ارزیابی و نقادی را می‌توان در مورد همهٔ انحرافات که ممکن است برای جوان رخ دهد، به‌کار گرفت و ذهن آنها را نسبت به مورد انحراف حساس کرد؛ زیرا همانطور که گفته شد، خصیصهٔ دوران ارتباطات ساخت‌زدایی است. ساخت‌های فکری و عاطفی اعضای جوامع را در معرض فروپاشی نهاده، آنها را به نوعی عادی‌انکاری در امور به‌ویژه مسائل اخلاقی سوق داده است.

مسئله حساسیت‌زدایی و عادی‌سازی، امری است که در این دوران به روشنی آشکار است و همین موجب تسامح، تساهل و عادی‌سازی در بنیان‌های اخلاقی جامعه شده است؛ لذا این موضوعی است غیرقابل اجتناب که گریزی از موج فزایندهٔ آن نیست. تربیت دینی با وجود دارا بودن ویژگی نقادی، خود می‌تواند با نقدهای موردی و آموزش افراد برای برخوردهای نقادانه، این موج حساسیت‌زدایی عادی‌سازی را مهار کند و آنان را برای حضور سالم در متن جامعه و درگیری با زمینه‌های انواع انحراف همراه با ارزیابی و نقادی آماده سازد.

4. مراقبه‌های فردی

از جمله شیوه‌های پیشگیری از ابتلا به رفتارهای نابهنجار جنسی فنون مراقبه‌های فردی است که در متون حدیثی نیز مطرح گردیده است. به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) توجه به کرامت خویش

هر فردی باید توجه داشته باشد که تأثیرپذیری از محرک‌ها و تسلیم هر خواهش و

تمایل جنسی شدن با عزت و کرامت انسانی سازگار نیست و برعکس خویشتن‌داری و خودکنترلی، از قدرت و توانمندی عقلی و شرافت وی حکایت دارد. امام علی(ع) با اشاره به اینکه کسی که احساس کرامت و بزرگی دارد به امیال و شهوات انحرافی توجهی ندارد، می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته؛ کسی که خودش را با کرامت و شریف بداند، توجه به امیال و شهوات خارج از نیاز طبیعی را پستی و خواری تلقی می‌کند». (نهج البلاغه، حکمت 449) و همچنین با توجه به اینکه شهوت انسان را پست و بی‌مقدار می‌سازد، می‌فرماید: «ما رفع امرأً کهمته ولا وضعه کشهوته؛ هیچ چیزی به مانند همت بلند شخص را دارای عزت نمی‌کند و هیچ چیزی به مانند شهوت و هوای نفسانی شخص را بی‌مقدار و پست نمی‌سازد» (تمیمی، 1373، ج 6، ص 143).

احساس کرامت و شرافت به این است که فرد عاقلانه می‌اندیشد و با چشم بصیرت می‌یابد که از چه خواهش‌های نفسانی، به حیثیت و شخصیت انسانی او ضربه وارد می‌شود. رسول اکرم(ع) این نوع اندیشه و بصیرت را محبوب خدا دانسته و می‌فرماید: «ان الله یحبّ البصر النافذ عند محبی الشهوات». (نوری، 1408، ج 8، ص 297). در حدیث دیگری آن حضرت امیال انحرافی را بیماری دانسته و به تدبیر عقلانی و مقابله با آن توصیه کرده و فرموده است: «الشهوة داء و عصیانها دواء؛ خواسته‌های انحرافی¹ بیماری است و درمانش مقابله با آن است» (دیلمی، 1408، ص 296). در تعبیر امام علی(ع) تصریح شده است که این مقابله با تدبیر عقلانی است. امام(ع) فرمود: «داووا الغضب بالصمت و الشهوة بالعقل؛ خشمگینی را با سکوت و شهوت را با تدبیر عقلی درمان کنید» (تمیمی، 1373، ج 4، ص 24). همچنین آن حضرت با اشاره به آسیب‌های غیرقابل جبران امیال و رفتارهای انحرافی، افراد را به حفظ کرامت نفس دعوت کرده و فرموده است: «اکرم نفسک عن کل دنبة و ان ساقطک الی الرغائب، فانک لن تعتاض بما تبدل من نفسک عوضاً؛ نفس خود را از هرگونه پستی بازدار، هرچند تورا به اهداف

1. گرچه شهوة به مفهوم خواسته است ولی از آنجا که بیماری دانسته شده است؛ منظور خواسته‌های انحرافی و افراط‌گونه است.

برساند، زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی بهایی به دست آوری» (نهج‌البلاغه، نامه 31).

علاوه بر عزت نفس و تدبیر عقلانی، تمرین و ممارست در جهت مقابله با امیال خودکترلی، فرد را قوی می‌سازد و مهارتی ایجاد می‌کند که می‌تواند تمایلات را داشته باشد و تحت تأثیر آن عوامل درونی به رفتارهای نابهنجار اقدام نکند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «إذا كثرت القدرة قلت الشهوة؛ هنگامی که نفس انسانی قوی شود، شهوتش کاهش می‌یابد». (نهج‌البلاغه، حکمت 245) و نیز مقاومت را عامل پیروزی بر هواهای نفسانی دانسته و می‌فرماید: «قاوم الشهوة بالقمع لها تظفر؛ (کسی که) با مخالفت عملی با هواها، در برابر شهوات مقاومت کند حتماً پیروز می‌شود» (نوری، 1408ق، ح 11، ص 346). و در بیان دیگری آن حضرت مقاومت همراه با تدبیر عقلانی را، هوشیاری و مهارت فرد دانسته و فرمود: «الکيس من ملك عنان شهوته؛ زیرک و فرد دارای قدرت نفسانی همراه با مهارت، کسی است که عنان امیال را تحت اختیار خویش بگیرد و بر آنها مسلط باشد» (تمیمی، 1373، ج 2، ص 158).

ب) ذکر و توجه

توجه به خدا و درک آگاه بودن خدا از انجام رفتارهایی که بشر را از آن نهی کرده است، حیا و یا ترسی در فرد پدید می‌آورد که می‌تواند از انحرافات جنسی جلوگیری کند. امام باقر (ع) در تفسیر آیه «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (الرحمن، آیه 46)، فرمود: «وهو الرجل يهجم على شهوة من شهوات الدنيا وهي معصية فيذكر مقام ربه فيدعها من مخافته، فهذه الآية فيه». مراد از این آیه فردی است که می‌خواهد با حرص و ولع به تمایلات شهوانی و انجام عمل معصیت هجوم ببرد، مقام و موقعیت خدا را یادآور می‌شود و آن گناه را از ترس خدا رها می‌کند (مجلسی، 1403ق، ج 8، ص 218).

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «قلع عروق منابت الشهوات بدوام ذکر الله و لزوم الطاعة له؛ با استمرار بخشیدن به یاد خدا و توجه به لزوم پیروی از دستورات او، ریشه‌هایی که سرچشمه امیال شهوانی است، برکنید» (همان، ج 73، ص 394). همچنین یادآوری مرگ

و زندگی در عالم برزخ نیز، از عوامل پیشگیری از امیال دانسته شده است. در حدیثی نقل شده که خدا به حضرت موسی (ع) فرمود: «واذکر انک ساکن القبر فلیمنعک ذلک من الشهوات؛ به خود یادآوری کن در قبر سکونت خواهی کرد، پس این یادآوری مانع می‌شود از اینکه در شهوت‌ها غرق شوی». (کلینی، 1362، ج 8، ص 46). امام علی (ع) نیز فرمود: «وکان رسول الله (ص) کثیراً ما یوصی اصحابه بذكر الموت فیقول: اکثروا ذکر الموت فانه هادم اللذات، حائل بینکم و بین الشهوات؛ رسول خدا (ص) بسیار اصحاب را به یادآوری مرگ توصیه می‌کردند و می‌فرمود: مرگ را زیاد به یاد آورید، زیرا که فکر شما را از لذات زودگذر بیرون می‌برد و بین شما و شهوترانی شما حائل می‌گردد» (مجلسی، 1403، ج 6، ص 132).

ج) توجه به زمینه‌های محیطی

گفتگوی بیش از حد ضرورت با جنس مخالف، ارتباط‌های مکرر، گرم گرفتن و خودمانی شدن هستند که زمینه‌کشش به شهوات و رفتارهای جنسی را فراهم می‌سازد. فرد برای پیشگیری از تمایلات شهوی و پیدایش انحرافات جنسی از این زمینه‌های محیطی باید پرهیز کند و نگذارد شرایطی فراهم شود که تحریکات و کشش‌های جنسی در او تشدید گردد و با فشار تمایل درونی به رفتارهای نابهنجار روی بیاورد. از این‌رو، در احادیث به برخی از این زمینه‌ها گوشزد شده است. به‌عنوان مثال امام علی (ع) سلام ابتدایی مرد به زن نامحرم و دعوت از او برای غذا خوردن باهم را از این زمینه‌ها دانسته و فرموده است: «لا تبدؤ النساء بالسلام و لاتدعوهنّ الی الطعام فان النبی (ص) قال: النساء عیّ و عوره فاستروا عیّهن بالسکوت و استرو عوراتهنّ بالبیوت؛ شما مردان در سلام کردن به زنان نامحرم، آغازگر نباشید و آنان را به غذا خوردن با خود، فرا نخوانید؛ زیرا که پیامبر (ص) فرمود: زنان انعطاف‌پذیر و متأثر از کلام مردانند و بدن آنها هم عورت است و باعث تحریک مردان می‌شود. با پرهیز از گفتگو با آنان از تأثیرپذیری و تحریک آنها جلوگیری کنید و آنچه را از بدن آنها باید از دیدگان نامحرمان مستور بماند، با ماندن آنها در خانه‌ها و عدم مراوده با مردان پیشگیری نماید (کلینی، 1362، ج 5، ص 534).

همچنین اختلاط و مراوده مردان با زنان در کلام پیامبر(ص) به عنوان زمینه‌ای که افراد را به نابهنجاری می‌کشاند توجه شده است، آن حضرت فرمود: «ما ترکت بعدی فتنه أضرّ علی الرجال من النساء؛ هیچ چیزی را برای مردان زیانمندتر و فتنه‌انگیزتر از مراوده با زنان نمی‌بینم». (فیض، 1339ق، ج 5، ص 180، به نقل از بخاری و مسلم) و نیز فرمود: «اتقوا فتنة الدنيا و فتنة النساء فان اول فتنة بنی اسرائیل كانت من قبل النساء؛ بپرهیزید از فتنه و فسادانگیزی دنیا و زنان، به‌درستی که اولین فسادانگیزی در بنی‌اسرائیل از ناحیه زنان بوده است. (همان)

و از جمله عوامل زمینه‌ساز نابهنجاری‌های جنسی که مرد را تحریک می‌کند پشت‌سر زنان حرکت کردن و نگاه به آنان است. به‌دلیل فتنه‌انگیزی و کشش جنسی این رفتار است که حضرت داود پیامبر(ع) به فرزندش فرمود: «یا بنی امش خلف الأسد والأسود ولا تمش خلف المرأة؛ ای فرزندم! پشت‌سر شیر درنده و مار سیاه گزنده حرکت کن ولی پشت‌سر زن حرکت نکن» (نوری، 1408ق، ج 14، ص 275).

ترک این رفتار نابهنجار علاوه بر اینکه فرد را از آسیب‌های روانی و شهوی مصون نگه می‌دارد، از اثر وضعی آن بر روی همسر خود جلوگیری می‌کند. منظور از این اثر وضعی، آن است که فردی که چشم‌چرانی می‌کند و به پشت زنان دیگر نگاه می‌نماید، چه بسا دیگران نیز به همسر او، چنین نگاه کنند. اگر کسی غیرت داشته باشد و دوست ندارد کسی به همسرش نگاه شهوانی داشته باشد، پس باید خود به زنان دیگر نگاه نکند. از امام صادق(ع) نقل شده: «أنه سئل عن الرجل تمر به المرأة فينظر الى خلفها فقال أيسرُ أحدكم أن ينظر الرجال إلى أهله ارضوا للناس ما ترضون لانفسكم. و قال ما يأمن الذين ينظرون في ادبار النساء أن يبتلو بذلك في نسائهم؛ از حضرت صادق(ع) پرسیدند: آیا جایز است زن را از پشت‌سر و رانداز کرد؟ فرمود: و شما حاضرید مردی به همسر شما چنین نگاه کند؟ عرض کردند: نه، فرمود: هرچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم بپسندید» (حرّ عاملی، 1393، ج 14، ص 272)، و فرمود: کسانی که به پشت زنان نگاه می‌کنند چه تضمینی وجود دارد که به پشت زنان آنها نگاه نشود.

علی بن ابراهیم در تفسیر خود می‌گوید: «... فقام موسی (ع) معها فمشت أمامه فسفتها الریاح فبان عجزها، فقال لها موسی (ع) تأخّری و دلّینی علی الطریق بحصاه تلقیها أمامی أتبعها، فإنا من قوم لا ینظرون فی أدبار النساء؛ هنگامی که دختران شعیب، فداکاری حضرت موسی را نقل کردند، حضرت شعیب یکی از آنها را فرستاد تا به خانه‌اش دعوت کند. وقتی حضرت موسی قبول دعوت کردند و همراه دختر شعیب به سوی خانه روان شدند، دختر حضرت شعیب به خاطر راهنمایی، جلوتر می‌رفت و باد لباس او را به این سو و آن سو حرکت می‌داد و اندام او را مشخص می‌کرد. حضرت موسی به آن دختر گفت: پشت‌سر من بیا، اگر دیدی راه را اشتباه می‌روم با انداختن سنگی راه را برای من مشخص کن، زیرا ما قومی هستیم که به پشت‌سر بانوان نگاه نمی‌کنیم» (همان، ص 274).

در حدیث فوق چند مطلب قابل توجه است:

اول اینکه حضرت موسی نه تنها به آن دختر نگاه نکرد، بلکه برای پیشگیری از فساد احتمالی دو پیشنهاد می‌کند: الف) به خاطر پیشگیری از نگاه احتمالی دستور داد که از پشت‌سر او بیاید. ب) دستور داد با او صحبت نکند و اگر راه را اشتباه رفت با انداختن سنگی او را راهنمایی کند.

دوم اینکه به دختر حضرت شعیب (ع) فهماند که این کار بی‌احترامی به او نیست، بلکه به خاطر حرمت اوست. فرمود ما قومی هستیم که به زنان، حتی از پشت نیز نگاه نمی‌کنیم. گویا حضرت موسی (ع) این را به عنوان سیره عملی انبیاء بیان می‌کند و از این جهت بسیار حائز اهمیت است.

سوم، این رفتار موجب شد که حضرت موسی موردپسند دختران شعیب قرار گیرد و پیشنهاد اجیر کردن او را به حضرت شعیب (ع) مطرح کنند.

امام کاظم (ع) این قضیه را در تفسیر آیه «یا أبتِ استأجره إنَّ خیر من استأجرت القویّ الأمین» چنین نقل می‌کند: «قال لها شعیب (ع): یا بنیه هذا قوی قد عرفته برفع الصخره، الأمین من این عرفته؟ قالت یا أبه إئی مشیت قدّامه فقال امشی من خلفی فإن ضللت فأرشدنی الی الطریق، فإنا قومٌ لا ننظر فی أدبار النساء؛ حضرت شعیب گفت: دخترم! قوی

بودن او را، از برداشتن سنگ بزرگی از روی چاه فهمیدی، اما از کجا معلوم که امین است؟ عرض کرد: پدرجان! من جلوتر از او می‌آمدم، وی گفت از پشت سر من بیا و اگر گمراه شدم مرا به مسیر راه راهنمایی کن، چون ما قومی هستیم که پشت سر بانوان نگاه نمی‌کنیم (صدوق، 1404 ق، ج 4، ص 1).

د) استکمال عقل

عقل در وجود فرد راهنمایی به‌هنجار و بازداشتن از روی آوردن به نابهنجاری‌ها را به عهده دارد و هر قدر عقل کامل‌تر شود و توانایی‌اش در درک مسائل و ارزیابی عملکردها بیشتر گردد، بهتر می‌تواند در برابر انگیزه‌های شهوانی مقاومت کند و تحت سیطره آنها درنیاید بلکه هواها را تعدیل نماید و تحت نفوذ و هدایت خود، جهت‌دهی مطلوب برای آنها داشته باشد و به عبارت دیگر هر چه عقل توانمندتر نقش خود را ایفا کند، تهاجم هواهای نفسانی ضعیف‌تر می‌گردد. امام علی(ع) فرمود: «اذا كمل العقل نقصت الشهوة؛ هنگامی که عقل کامل و توانمند گردد، شهوت و میل فروکش می‌کند» (تمیمی، 1373، ج 3، ص 135، ش 4054) و در این حدیث، تأثیرگذاری عقل و شهوت بررسی شده به این صورت که آدمی به شهوات روی می‌آورد، آن هنگام که ارزش و بهایی برای آنها قائل است، درحالی که کمال عقلی باعث می‌شود در ارزیابی فرد به بی‌ارزشی و بی‌بهایی امیال شهوی توجه کند و محرکی برای انجام آن نداشته باشد، از این رو امام علی(ع) می‌فرماید: «من کمل عقله إستهان بالشهوات؛ کسی که عقلش به تدریج کامل می‌شود به امیال و خواسته‌های شهوی بی‌توجه می‌گردد» (همان، ج 5، ص 255، ش 8226) و از آنجا که عقل با تدبیر و براساس حکمت ارزیابی از رفتارها دارد و افعالی که نتیجه حکیمانه داشته باشد می‌پذیرد و افراط‌کاری‌ها و نابهنجاری‌ها را که جز آسیب و آفت، ثمره دیگری ندارند کنار می‌زند. امام علی(ع) فعالیت و ارزیابی عقل را حکمت دانسته و فرموده است: «کَلِّمًا قَوِيَّتِ الْحِكْمَةُ ضَعْفَتِ الشَّهْوَةُ؛ هرگاه حکمت و ارزیابی فرد قوی و توانمندانه انجام شود، میل شهوی آنقدر ضعیف و سست می‌گردد که نمی‌تواند باعث انجام رفتارهای انحرافی در فرد بشود» (همان، ج 4، ص 622).

ش 7205).

از نشانگان استكمال عقل و ارزیابی حکیمانه، توجه به لذت محدود و زودگذر در نابهنجاری‌های جنسی و آفات مترتب بر آنکه تاریخ از آن حکایت دارد می‌باشد. امام علی (ع) با توجه به زوال لذات، اندیشه در مورد آن را از شیوه‌های بازدارنده امیال شهوی در انسان دانسته و می‌فرماید: «أذكر مع كل لذة زواها... فان ذلك... أنفى للشهوة؛ به یادآور محدودیت و نابودی لذت شهوی را که این توجه باعث نفی محرک بودن شهوت در فرد می‌گردد» (همان، ح 2، ص 228، ش 2449) و امام باقر (ع) نیز با اشاره به نقش تقوا در سلامت روانی آدمی و از جمله توانمندی عقل، به منجر شدن ارزیابی عقلی از تاریخ افرادی که در شهوات افراط می‌کنند، به عبرت‌آموزی توجه داده و می‌فرماید: «أوصيك بتقوى الله فان فيها السلامة من التلف... يقى بالتقوى عن العبد مما عذب عنه عقله و يجلى بالتقوى عنه عماه و جهله... فاز الصابرون... نبذوا طغيانهم من الايراد بالشهوات لما بلغهم في الكتاب من المثالات؛ شما را به تقوای الهی توصیه می‌کنم زیرا تقوا باعث سلامت فرد از آسیب است. تقوا، فرد را از آنچه ابتدا عقل از آن غفلت می‌کند، حفظ کرده و کوری و نادانی او به کشف حقیقت تبدیل می‌شود. افرادی که در برابر خواهش‌های نفسانی مقاومت می‌کنند و ارزیابی از آنها دارند، سرکشی امیال را با تفکر در عبرت‌ها و آنچه از گذشتگان به آنها رسیده، از میان برمی‌دارند» (کلینی، 1362، ج 8، ص 52).

ه) توجه به همسر و استمداد از خدا

از اموری که لازم است فرد برای پیشگیری از تأثیر محرکات جنسی و کشش به سوی رفتارهای نابهنجار انجام دهد این است که اگر دارای همسر است به او بنگرد و زیبایی‌هایش را مشاهده کند و در ارتباط با وی ارضاء شود و توجه کند که آنچه مثلاً دیگر زنان دارند، همسر او نیز دارد، از این راه فشار محرک بر فرد کاهش می‌یابد و انگیزه روانی برای کشش به سوی رفتار نابهنجار جنسی ضعیف می‌گردد و فرد می‌تواند خود را از آلوده شدن به انحرافات مصون نگهدارد و اگر کسی همسر ندارد روی آوردن

به دعا و نماز و کمک از خداوند برای فراهم‌سازی زمینه ازدواج، موقعیت روانی عاطفی نسبت به خداوند برایش پدید می‌آورد که تأثیر فشار محرک در او ضعیف گردیده، فرد می‌تواند خود را در مقابل محرکات جنسی مقاوم نموده و مصونیت درخویش ایجاد کند. امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ إِمْرَأَةً تُعْجِبُهُ فِليَاتِ أَهْلِهِ، فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِ مِثْلُ مَا رَأَى، فَلَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ عَلَى قَلْبِهِ سَبِيلًا لِيَصْرَفَ بَصَرَهُ عَنْهَا. فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ فَلْيَصِلْ رَكَعَتَيْنِ وَيَحْمَدِ اللَّهَ كَثِيرًا وَلْيَصِلْ عَلَى النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ يَسْأَلْ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهُ يَنْتِجُ لَهُ مِنْ رَأْفَتِهِ مَا يَغْنِيهِ؛ هِنْكَامِي كِه يَكِي از شِما مردان، زنی را دید كه جذب نگاه به او شد، متوجه همسر خود شود و بداند آنچه را دیده است زنش نیز داراست، پس شیطان را به دل خود راه ندهد و چشم به آن زن ندوزد و اگر مرد همسر ندارد برود دو ركعت نماز بخواند و از خداوند بخواهد كه به فضل و رحمت خویش او را بی‌نیاز گرداند، همانا خداوند به رحمت خود آرزوی او را برآورده خواهد كرد» (حرر عاملی، 1393، ج 20، ص 106). امام صادق (ع) همین مضمون را از رسول خدا (ص) نقل می‌کند كه فرمودند: «إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ فِليَاتِ أَهْلِهِ، فَإِنَّ الَّذِي مَعَهَا مِثْلُ الَّذِي مَعَكَ تَلْكَ. فَاقْامِ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنَّ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلٌ فَمَا يَصْنَعُ؟ قَالَ فَلْيَرْفَعْ نَظْرَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ لِيَرِاقِبَهُ وَ لِيَسْأَلَهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ وَ قَتِي يَكِي از شِما زن زیبایی را دید به کنار همسرش برود، زیرا آنچه آن زن دارد همسرش هم از آن برخوردار است. مردی بلند شد و پرسید: اگر فردی همسر ندارد چه كار كند؟ فرمود: سرش را به طرف آسمان بلند كند و دعا نماید و به نگاهش ادامه ندهد بلکه مراقب خود باشد و برای موفقیت در خودداری از نگاه به نامحرم از فضل پروردگار كمك بطلبد» (كلینی، 1362، ج 5، ص 494).

و) مشارطه و محاسبه

از جمله مراقبه‌های فردی این است كه فردی كه نمی‌تواند در برابر تمایلات انحرافی جنسی، خویش‌نواز باشد، برای پیشگیری از کشیده شدن به سوی آنها، با خود و یا خدا عهد و پیمان ببندد و شرط كند كه آلوده نشود و در صورتی كه گامی به سوی نابهنجاری‌ها برداشت، جریمه‌ای پردازد و هر چند وقت یکبار عملکردهای خود را

محاسبه کند و به ارزیابی آنها پردازد تا مبدا غفلت از شرط و پیمان او را، از پایبندی به تعهدش بازدارد. در توضیح مطلب به جملاتی (البته با اندک تغییر عبارتی) از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) اشاره می‌شود: «مشارطه آن است که در اول روز مثلاً با خود شرط کند که امروز برخلاف فرموده خداوند تبارک و تعالی رفتار نکند و این مطلب را تصمیم بگیرد و معلوم است که یک روز خلاف نکردن امری است خیلی سهل، و انسان می‌تواند به آسانی از عهده آن برآید، سپس خطاب به فردی که می‌خواهد مراقبه انجام دهد، توصیه می‌کند: «تو عازم شو و شرط کن و تجربه نما و بین چقدر سهل است. ممکن است شیطان و جنود آن ملعون، بر تو این امر را بزرگ نمایش دهند ولی این از تلبیسات (رقیب‌های) آن ملعون است، او را از روی واقع و قلب لعن کن و اوهام باطله را از قلب بیرون کن و یک روز تجربه کن، آن وقت موفق خواهی شد، باید مراقب باشی که در تمام مدت متوجه عمل به شرط باشی و خود را ملزم بدانی به عمل کردن به آن و اگر خدای نخواست در دلت افتاد که امری را مرتکب شوی که خلاف فرموده خداست بدان که این از شیطان و جنود اوست که می‌خواهند تو را از شرطی که کردی بازدارند، به آنها لعنت کن و از شر آنها به خدا پناه ببر و آن خیال باطل را از دل بیرون نما و به شیطان بگو که من امروز با خود شرط کردم که خلاف فرمان خداوند تعالی کاری را نکنم، ولی نعمت من، سال‌های دراز است به من نعمت داده، صحت و سلامت و امنیت مرحمت فرموده و لطف‌هایی کرده که اگر تا ابد خدمت او کنم، از عهده یکی از آنها بر نمی‌آیم، سزاوار نیست یک شرط جزئی را وفا نکنم. ان‌شاءالله می‌تواند شیطان را طرد کند و از انجام گناه منصرف شود».

در ادامه امام خمینی (ره) ضمن اشاره به اینکه مراقبه با هیچ‌یک از کارهای فرد از قبیل کسب و سفر و تحصیل و غیر آن منافات ندارد به مرحله محاسبه می‌پردازد و می‌نویسد: «باید به همین حال باشی و شب به محاسبه پردازد. محاسبه عبارت است از اینکه حساب نفس را بکشی، در این شرطی که با خدای خود کردی که آیا بجا آوردی؟ و با ولی نعمت خود در این معامله جزئی خیانت نکردی؟ اگر درست وفا کردی شکر خدا کن در این توفیق و بدان که یک قدم پیش رفتی و موجب نظر الهی به خود شدی

و خداوند ان شاء الله تو را راهنمایی می‌کند و تو را در پیشرفت امور دنیا و آخرت موفق می‌نماید و بدان کار فردا برای تو آسان‌تر خواهد شد. چندی به این عمل مواظبت کن، امید است برای تو ملکه گردد، به طوری که از برای تو خیلی سهل و آسان شود بلکه آن وقت از اطاعت فرمان خدا و از ترک معاصی در همین عالم، لذت می‌بری با اینکه دنیا جهان پاداش و جزا نیست لذت می‌بری و لطف الهی اثر می‌کند و تو را متلذذ می‌نماید» (خمینی، 1368، ص 8-9).

در احادیث بسیاری به مواظبت از عملکرد خویش امر شده تا با حسابرسی و ارزیابی نسبت به آنچه انجام گرفته است و مراقبت پی در پی با تعهدات شرعی فرد با خدا و خود عملی گردد و فرد به نابهنجاری‌ها روی نیاورد. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «لذکر الله بالغدو و الآصال خیر من حطم السیوف فی سبیل الله عز و جل یعنی من ذکر الله بالغدو تذکر ما کان منه فی لیلته من سوء عمله و استغفر الله و تاب الیه انتشر و قد حطت سیئاته و غفرت ذنوبه و من ذکر الله بالآصال و هی العشیات و راجع نفسه فیما کان منه یومه ذلک من سرفه علی نفسه و اضاعته لامر ربّه فذکر الله و استغفر الله تعالی و اناب راح الی اهله و قد غفرت ذنوبه؛ صبح و شام در یاد خدا بودن بهتر از اینکه شمشیرها برای جهاد در راه او شکسته شود. یعنی آن کس که اول صبح با یاد خدا، حساب نفس خود را می‌رسد و به خاطر می‌آورد کارهای بدی را که در شب انجام داده، از خدا آمرزش می‌خواهد و توبه می‌کند. صبح که از منزل خارج می‌شود و از پی کار روزانه‌اش می‌رود، گناهانش ریخته و تخلّفاتش بخشیده شده است. کسی که اول شب خدا را به یاد می‌آورد و برای حسابرسی، به نفس خود مراجعه می‌کند و متوجه می‌گردد که امروز بر خود ستم روا داشته و از فرمان الهی سرپیچی نموده است، ذکر حق می‌گوید. از پیشگاه الهی طلب آمرزش می‌کند، سپس به خانه و نزد خانواده خود می‌رود در حالی که گناهانش بخشیده شده است» (حرّ عاملی، 1393، ج 20، ص 62). همچنین حضرت موسی (ع) فرموده است: «لیس متا من لم یحاسب نفسه کلّ یوم؛ از ما نیست آن کس که همه روزه به حساب نفس خود رسیدگی ننماید» (کلینی، 1362، ج 2، ص 453) و نیز امام صادق (ع) در سفارشی به عبدالله بن جندب فرمود: «یابن جندب حقّ علی کلّ مسلم

يعرفنا ان يعرض عمله في كل يوم و ليلة على نفسه فيكون محاسب نفسه فان راى حسنه استزاد منها و ان راى سيئه استغفر منها لئلا يحزى يوم القيامة؛ شايسته هر مسلمانی که به مقام ائمه معصومین معرفت دارد این است که هر روز و شب اعمال خود را به نفس خویش عرضه کند و خود، حسابگر نفس خویشتن باشد. اگر در کارهایی که انجام داد خوبی مشاهده کرد، در افزایش آن بکوشد و اگر بدی دید از پیشگاه الهی طلب آمرزش نماید تا در قیامت دچار ذلت و خواری نشود» (ابن شعبه، 1400ق، ص 300).

5. توجه به عوارض نابهنجاری‌های جنسی

از شیوه‌های پیشگیری در زمینه نابهنجاری‌های جنسی توجه به پیامدها و عوارضی است که برای فرد به‌بار می‌آورد. امام علی (ع) با توجه به اینکه هیچ میل و رفتار انحرافی نیست، مگر آنکه موجب آفات و آسیب‌هایی برای شخص و اجتماع می‌شود؛ می‌فرماید: «من تسرع الی الشهوات تسرع الیه الآفات؛ کسی که به امیال و رفتارهای شهوانی می‌شتابد، به سوی آفات و آسیب‌ها شتاب کرده است». (تمیمی، 1373، ج 5، ص 327).

در احادیث آسیب‌ها و عوارض زیادی برای شهوت و رفتارهای نابهنجار جنسی مطرح شده است تا افراد با توجه به آنها به امیال و رفتارهای شهوی روی نیاورند. توجه به آفات و نتایج منفی نابهنجاری‌ها فطرت انسان را که از بدبختی و آسیب‌ها گریزان است بیدار ساخته، باعث می‌شود دست از آن نابهنجاری بشویند و یا لاقلاً کاهش دهند. آسیب‌های نابهنجاری‌های جنسی زیاد است به بخشی از آنها با توجه به احادیث اشاره می‌شود:

الف) آسیب‌های شخصیتی

کسی که از هواهای نفسانی تبعیت می‌کند و به رفتارهای نابهنجار جنسی روی می‌آورد، شخصیت انسانی و معنوی خود را از دست داده و احساس پستی و رذالت جایگزین آن می‌شود. خود را به امیال حیوانی وابسته دانسته و هویت مطلوبی برای خویش نمی‌یابد.

تعارض درونی او را فرا گرفته، وحدت و انسجام شخصیت در خود نمی‌یابد و عزت و ارزشمندی خود را نمی‌پذیرد و نیز خود را در منجلاب گناه و معصیت پروردگار غوطه‌ور می‌بیند، آینده درخشانی برای خود تصویر نمی‌کند و به آینده و رشد و ارتقاء خود امیدی ندارد.

امام علی(ع) با توجه به ارتباط عاملی پیروی از هواهای نفسانی با پستی و بی‌شخصیتی فرد می‌فرماید: «من اَتبع هواه أُردي نفسه؛ کسی که از هواهای نابهنجار پیروی می‌کند، خودش را به پستی و بی‌شخصیتی کشانده است» (همان، ص 208، ش 8006) و نیز می‌فرماید: «ازری بنفسه من ملکنه الشهوة، و استعبدته المطامع؛ خود را به پستی انداخته، کسی که شهوت بر او تسلط یافته و حرص و ولع شهوانی او را به بند کشیده است» (همان، ج 2، ص 434، ش 3176). همچنین می‌فرماید: «من ملکنه نفسه ذلٌّ قدره؛ کسی که هوای نفسش او را تسخیر کرده، قدر و منزلت خویش را به ذلت تبدیل کرده است» (نوری، 1408ق، ج 11، ص 212) و نیز با اشاره به مروت به‌عنوان یکی از جنبه‌های شخصیت آدمی و آسیب‌پذیری آن در روند شهوترانی، می‌فرماید: «زیادة الشهوة تزری بالمروءة؛ زیاده‌روی در رفتار شهوی و جنسی مروت را در فرد از بین می‌برد» (تمیمی، 1373، ج 4، ص 117، ش 5507).

ب) آسیب‌های شناختی و نگرشی

پرداختن به نابهنجاری‌های جنسی و شهوت‌های انحرافی ذهن آدمی را مشغول می‌سازد و پراکندگی ذهنی ایجاد می‌کند و توانایی ادراک حقایق را کاهش می‌دهد و انگیزه پرداختن به مسائل علمی را از بین می‌برد و از شناخت واقعیات هستی، فلسفه زندگی، قدر و منزلت آدمی، جنبه‌های گوناگون شخصیت انسانی، ارزش‌های اخلاقی و معنوی، مانع می‌گردد؛ از این‌رو، نگرش ناصواب در مورد نظام آفرینش و اهداف آن، خدا، انسان، زندگی و مسائل ارزشی پیدا می‌کند و از حقیقت فاصله می‌گیرد. امام کاظم(ع) با توجه به تأثیر منفی شهوات در کاستن کارایی عقل می‌فرماید: «من سلط ثلاثاً علی ثلاث فکائما أعان علی هدم عقله: من أظلم نور تفکره بطول أمله، و محی طرائف حکمته

بفضول کلامه، و أطفأ نور عبرته بشهوات نفسه، فکائما أعان هواه علی هدم عقله، و من هدم عقله أفسد علیه دینه و دنیا؛ کسی که سه چیز را بر سه چیز مسلط کند به از بین بردن عقلش کمک کرده است: کسی که با آرزوهای طول و دراز نور اندیشه‌اش را به ظلمت و تاریکی می‌کشاند و با حرف‌های زیادی و نسنجیده، نکات دقیق حکمتش را محو می‌نماید و با شهوات و هواهای نفسانی، چراغ عبرت‌پذیر خود را خاموش می‌سازد، چنین فردی کمک کرده است به ویرانی عقل و درایت خویش و بدین وسیله دین و دنیای خود را تباه می‌کند» (کلینی، 1362، ج 1، ص 17).

امام علی (ع) با توجه به اینکه عقل بوسیله ضد خود یعنی شهوت در بند می‌شود و دیگر نمی‌تواند نگرش صحیح به امور زندگی داشته باشد، فرمود: «الهُوَى ضِدُّ الْعَقْلِ؛ هواهای نفسانی ضد عقل فعالیت می‌کند» (تمیمی، 1373، ج 1، ص 258، ش 1209) و به تعبیر دیگر: «آفة العقل الهوى؛ هواهای نفسانی آسیب‌رسان به عقل است» (همان، ج 3، ص 101، ش 3925) و نیز فرمود: «حرام علی کل عقل مغلول بالشهوة أن ینتفع بالحکمه؛ بر هر عقل در بند شهوت ممنوع است که از حکمت و کشف حقیقت سودمند گردد» (همان، ص 404، ش 4902). در این حدیث شهوت به عنوان عامل مهمی که به کارایی و نقش ادراکی عقل (چه در بُعد نظری و چه در بُعد عملی و تشخیص خوبی‌ها و بدی‌ها) آسیب می‌رساند و مانع رشد علمی فرد می‌گردد، اشاره شده است.

ج) آسیب‌های معنوی

انحرافات جنسی از مصادیق بارز گناه است. این نوع انحرافات نه تنها مانع رشد معنوی انسانند بلکه به ایمان و پایه‌های باور و نگرش دینی آدمی و روابط او با خدا آسیب جدی وارد می‌سازند. امام علی (ع) می‌فرماید: «من وافق هواه خالف رشده؛ کسی که با تمایلات انحرافی موافقت کند با رشد (همه‌جانبه) خویش مخالفت کرده است» (تمیمی، 1373، ج 5، ص 196، ش 7957). رسول اکرم (ص) با اشاره به مانعیت شهوت برای رشد معنوی می‌فرماید: «حرام علی کل قلب عزى بالشهوات أن یجول فی ملکوت السموات؛ کسی که دلش با شهوت‌های انحرافی آرامش یافت، ممنوع است از اینکه بتواند به رشد معنوی و ملکوت آسمان‌ها راه یابد» (ابی‌فراس، بی‌تا، ج 2، ص 122)

و امام علی(ع) به تأثیر شهوترانی بر عدم برقراری رابطه عاطفی با خدا پرداخته و می‌فرماید: «لیس فی المعاصی أشد من اتباع الشهوة فلا تطيعوها فيشغلکم عن الله؛ در بین گناهان، هیچ گناهی به مانند پیروی از شهوت شدیدترین تأثیرات منفی بر شخص را ندارد، بنابراین از تمایلات جنسی تبعیت نکنید که شما را از ارتباط با خدا باز می‌دارد» (تمیمی، 1373، ج 5، ص 88).

رسول اکرم(ص) با توجه به اینکه با گرایش به نابهنجاری‌های جنسی نمی‌توان به سوی مقام معنوی تقوا و ورع گام برداشت می‌فرماید: «حرام علی کل قلب متولّه بالشهوات أن یسکنه الورع؛ هر دلی که شهوت‌ها متولّی آند، ورع و تقوا به آن راه ندارد» (ابی‌فراس، 605ق، ج 2، ص 122) و امام علی(ع) با اشاره به اینکه شهوترانی تقوا را از بین می‌برد، می‌فرماید: «لا یفسد التّقوی إلا غلبة الشّهوة؛ هیچ چیزی به‌مانند حاکمیت شهوت بر روح آدمی تقوای فرد را تباه نمی‌سازد» (تمیمی، ج 6، ص 376، ش 10606).

مداومت بر رفتارهای نابهنجار جنسی علاوه بر مانع‌تراشی بر رشد معنوی و ارتباط با خدا و عامل از بین بردن تقوا به تدریج دین‌داری و ایمان انسان را به‌خطر می‌اندازد و چه بسا فرد را به کفر بکشاند. رسول اکرم(ص) در این زمینه می‌فرماید: «من کان اکثر همّه نیل الشهوات نزع من قلبه حلاوة الايمان؛ کسی که بیشترین همّتش رسیدن به تمایلات شهوی است، به تدریج شیرینی ایمان و دین‌داری از دل او کنده می‌شود» (ابی‌فراس، بی تا، ج 2، ص 116). به همین نکته امام علی(ع) اشاره می‌کند و می‌فرماید: «طاعة الشهوة تفسد الدین؛ پیروی مستمر از شهوت جنسی پایه‌های دین‌داری را در فرد متزلزل می‌سازد» (نوری، 1408ق، ج 11، ص 344) و نیز آن را از عوامل مهمی که به کفر می‌انجامد شمرده و می‌فرماید: «ارکان الکفر أربعه: الرغبه، والرهبه و الغضب و الشهوة؛ ارکان کفر چهار چیز است: شوق و علاقه به محرّمات، ترس از مددکاری در راه دین، خشمگینی و پرخاشگری به دیگران و شهوترانی» (همان، ج 11، ص 369).

د) عواقب ناگوار

از جمله اموری که می‌تواند افراد را از انحرافات جنسی بازدارد و لاقبل کاهش دهد، آگاه‌سازی از عواقب و پیامدهای ناگواری است که این رفتارها در زندگی دنیوی و اخروی آنها به‌جای می‌گذارد و در بسیاری موارد راه برگشت هم وجود ندارد. در احادیث به مجموعه‌ای از ابتلاهای دردناک ناشی از نابهنجاری جنسی از قبیل بیماری‌های جسمی، و نیز هلاکت و بدبختی به صورت کلی، پیامد هواهای نفسانی ذکر شده است؛ مانند اینکه رسول اکرم (ص) فرمود: «أثما هلاك الناس باتباع الهوى...؛ همانا هلاکت و بدبختی مردم به پیروی از هواهای نفسانی و شهوات است» (ابی فراس، بی‌تا، ج 1، ص 183). امام علی (ع) فرمود: «غلبة الشهوة تبطل العصمة وتورد الهلك؛ حاکمیت شهوت بر زندگی آدمی مصونیت را از بین می‌برد و هلاکت و بدبختی را موجب می‌شود» (تمیمی، ج 4، ص 383، ش 6412). علی بن اسباط از ائمه معصومین (ع) نقل می‌کند که فرمودند: «فیما وعظ الله عز وجل به عیسی (ع) یا عیسی کف بصرک عما لاخیر فیه فکم من ناظره نظره قد زرع فی قلبه شهوة و وردت به موارد حیاض الهلکه؛ خداوند در ضمن موعظه حضرت عیسی (ع) فرمود: جلو چشمت را در مقابل چیزهایی که خیری در او نیست بگیر. چه‌بسا بیننده‌ای که با یک‌بار نگاه آلوده، شهوتی در دل او بکارد و او را به هلاکت بیندازد» (کلینی، 1362، ج 8، ص 134).

و در برخی دیگر از احادیث بیماری‌ها و ناراحتی‌های جسمی و یا روانی به‌عنوان پیامد تمایلات شهوی مطرح گردیده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «من لم یداو شهوته بالترك فلم یزل علیلاً؛ کسی که تمایلات نابهنجار و شهوترانی خود را با ترک آن درمان نکند، همیشه بیمار و دردمند خواهد بود» (تمیمی، ج 5، ص 417، ش 8999) و نیز فرمود: «لاخیر فی لذه توجب ندماً و شهوة تعقب المألاً؛ لذتی که پشیمانی به‌بار می‌آورد، هیچ خوب نیست و شهوتی که پیامدش درد و ناراحتی باشد، نمی‌ارزد» (همان، ج 6، ص 432، ش 10901).

و در احادیث دیگری از جمله عواقب شهوترانی، سختی، درد، بدبویی عذاب، رسوایی و آبروریزی در آخرت ذکر گردیده است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «إله النار

سهل بشهوة؛ شهوترانی زمینه ورود به آتش جهنم را تسهیل می‌کند» (متقی هندی، 1389ق، ج 15، ص 883، ش 43502) و نیز در مورد کیفیت محشور شدن گروه‌هایی از مردم فرمود: «...والذین أشدّ تنناً من الجيف فالذین يتمتعون بالشهوات و اللذات...؛ کسانی که غرق در شهوات و لذات حرام‌اند، در روز قیامت با بوی بدی، بدتر از بوی مردار محشور می‌شوند» (حویزی، 1383ق، ج 5، ص 493) و امام علی(ع) فرمود: «لاتوازی لذة المعصية فضوح الآخرة و أليم العقوبات؛ هرگز لذت معصیت و شهوت حرام با رسوایی و عقاب‌های دردناک آخرت مساوی نیست» (تمیمی، 1373، ج 6، ص 423، ش 10866).

در حدیثی پیامبر اسلام(ص) در مورد آسیب‌ها و عواقب یکی از نابهنجاری‌ها می‌فرماید: «فی الزنا ست خصال، ثلاث منها فی الدنيا، و ثلاث منها بی الاخرة و اما التي فی الدنيا فیذهب بالبهاء و یعجل الفناء و یقطع الرزق فاما التي فی الاخرة: فسوء الحساب و سخط الرحمان و الخلود فی النار؛ از جمله وصایای پیامبر خدا(ص) این است که فرمود: زنا شش اثر دارد، سه اثر در دنیا و سه اثر در آخرت، اما آثاری که در دنیا دارد این است که آبروی انسان می‌رود، عمر کوتاه می‌شود و مرگ زود فرا می‌رسد و روزی را کاهش می‌دهد. اما سه اثر در آخرت این است که حسابرسی سخت و دقیق انجام می‌پذیرد، خشم خداوند تبارک و تعالی فرد را شامل می‌گردد و همیشه در آتش خواهد بود» (حرّ عاملی، 1393، ج 20، ص 311).

بنابراین توجه به عواقب ناگوار دنیوی و اخروی نابهنجاری‌های جنسی و یادآوری آنها در روان افراد تأثیر می‌گذارد و آنها را از اینکه بی‌پروا به رفتارهای نابهنجار جنسی روی آورند، باز می‌دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله علاوه بر آیاتی چند از قرآن تعداد شصت حدیث رسول اکرم(ص) و اهل‌بیت(ع) در جهت پیشگیری از رفتارهای نابهنجار جنسی نوجوانان و جوانان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده عبارتند از:

1. از مهمترین شیوه‌های پیشگیرانه از ابتلای نوجوانان و جوانان به رفتارهای نابهنجار جنسی، تربیت صحیح آنان است که از طفولیت آغاز و به تدریج ادامه می‌یابد.
2. شناسایی عوامل اثرگذار انحرافات جنسی توسط والدین و مربیان و فراهم‌سازی شرایط عدم تحقق آنها نیز در پیشگیری نوجوانان و جوانان از وقوع در انحراف بسیار مؤثر است.
3. نظارت خانوادگی و اجتماعی به صورت رسمی و غیررسمی مبتنی بر تربیت دینی باعث رشد عقلانیت نوجوانان و کاهش انحرافات می‌گردد.
4. مراقبه‌های فردی مانند خویش‌داری، ذکر و توجه به خدا، آگاهی از زمینه‌های محیطی، استکمال عقلی، مشارطه و محاسبه از جمله شیوه‌های تربیتی است که در احادیث برای پیشگیری از انحرافات جنسی مؤثر دانسته شده است.
5. آگاه‌سازی نوجوانان و جوانان از آسیب‌های شخصیتی، شناختی، نگرشی، معنوی، روانی و جسمی و همچنین عوارض اخروی که در احادیث زیادی، بر آنها تأکید شده است؛ در پیشگیری از ابتلا به انحرافات جنسی مؤثر می‌باشند.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه (1381)، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).

ابی فراس، ابی حسین ورام (بی تا)، تنبیه الخواطر و نزاه النواظر (مجموعه ورام)، بیروت: دارالتعارف و دارصعب.

امیرکاوه، سعید (1376)، «نظارت اجتماعی»، فصل نامه معرفت، شماره 21.
 باقری، خسرو (1380)، «تربیت دینی در برابر چالش قرن بیست و یکم»، نشریه اطلاع رسانی معارف، ش 2.

بیرو، آلن (1370)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.

ترابی، علی اکبر (1341)، مبانی جامعه شناسی، تهران: اقبال.

تمیمی، عبدالواحد (1373)، غررالحکم و دررالکلم، شرح محمد الخوانساری، تهران: چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران.

حرّعاملی، محمد بن حسن (1393ق)، وسائل الشیعة، تهران: المکتبه الإسلامیه.

حویزی، عبد علی بن جمعه (1383 ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: المطبعه العلمیه.

خمینی، روح الله (1368)، چهل حدیث، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

روسک، جوزف (1369)، مقدمه ای بر جامعه شناسی، ترجمه بهروز نبوی، تهران: کتابخانه فروردین.

صدوق، حسین ابن بابویه (1361)، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

صدوق، علی بن حسین (1381ق)، علل الشرایع، بیروت: دار احیاء التراث.

صدوق، علی بن حسین (1404ق)، من لا یحضره الفقیه، تصحیح الغفاری، قم: انتشارات اسلامی.

فیض کاشانی، محسن (1339ق)، المحجة البيضاء، تهران: مکتبه الصدوق.

کرومبی، نیکلاس آبر (1367)، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسن بیان، تهران: چاپخش.

کلینی رازی، یعقوب بن اسحاق (1362ش)، *الفروع من الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمد باقر (1403ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.

نمازی، محمد مهدی (1379)، «تأملی در گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی»، *مجله راه‌آورد*، شماره 13، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

نوری، میرزا حسین (1408ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.

متقی هندی، حسام‌الدین (1389ق)، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، ضبط حسن رزوق، تصحیح صفوه السقا، بیروت: مکتبه الإسلامیه.